

## شرح روایتی پرفروغ از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) توسط آیت‌الله جوادی آملی

که فرائض پروردگار خویش را انجام می‌دهد...و شب هنگام از خواب دوری می‌گیرند و شب زنده‌داری می‌کند. (همان، نامه۴۵) «همانا داوود پیامبر (که درود خدا بر او باد) در چنین ساعتی از شب برمی‌خاست و می‌گفت: این ساعتی است که دعای هر بنده‌ای به اجابت می‌رسد.» (همان، حکمت ۱۰۴)

را بگیرد. یک‌دلی را شکستی و بدستش نیاوردی، همین‌طور که سرگرم یک پا الله‌هستی آن دل میاد میگه یواش برو کجا میری! حقّی رو ضایع کردی، هنوز جیران نکردی، پدر رو خشمگین کردی، دل مادر را شکستی و....

شب تار میسرتر است و بنابراین مردان الهی جداکتر بهره را از شب می‌برند. «پرهیزگاران، شب زنده‌داران در شب و روشنی یخشان روزند». (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۹۲، بند ۱۳۶) «اما شب‌ها، همچنان برپای ایستاده‌اند تا جزء جزء کتاب خدا را بخوانند» [همان، خطبه ۱۹۳] چه سعادتمند است آن

داشتن شب میسر نیست. با مرکب روز که سیح طویل دارد: «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلًا» (مَزَمَل، آیه ۷) نمی‌شود این سفر سنگین را طی کرد. باید شب را مرکب پرتوان خود در این سفر الهی قرار داد. تلاوت قرآن و خضوع در حضور خداوند و محاسبه اعمال گذشته و تصمیم قطعی برای آینده، در دل

یکی از بیانات امام یازدهم که علامه طباطبایی آن را بسیار پرفروغ و از غُرّ احادیث می‌دانستند این است که فرمودند: «إِنَّ الْوَصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سَفَرٌ لَا يَدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ». (بحار، ج ۷۸، ص ۳۷۹) آن حضرت (ع) می‌فرماید سیر به سوی الله و حرکت به سمت خدا، سفری است که جز با زنده

### حکمت

### نکته‌ها

آیت الله فاطمی نیا

#### ◀ در طول سال به فکر شب قدر باشید

استاد فاطمی نیا در سخنانی درباره شب قدر، به توصیف این شب پرناخته و دستورالعمل‌هایی برای حضور بهتر در آن عنوان کرده است. در یکی از این نکات می‌گوید: اگر ما چندشب مانده به شب قدر به

### نخستین شب قدر

مقابل آینه چادر نماز گل‌گلی آبی اش را می‌اندازد روی سرش و گره روسری اش را چنان محکم می‌کند که خنده‌ام می‌گیرد. دست می‌برم گره را زیر چانه اش کمی تکان می‌دهم و با لبخند می‌گویم: «چکار می‌کنی زهرا جان، مگه با روسری دعوا داری؟»

از اینکه تولد ۹سالگی اش با ماه رمضان یکی شده، حسایی کیفور است. از اول ماه با بهانه و بی‌بهانه چند بار ما را تا حرم آقا کشانده؛ یک بار به بهانه اولین افطاری، نوبت دیگر به بهانه اولین عید و امشب هم به بهانه اولین شب قدر. توی دلم به شوق و ذوقش حسودی می‌کنم. او حواسش به حال و

### این شهر همه‌اش خونه آقااست



تاکسی توی ترافیک مانده، به ساعت نگاه می‌کنم، چیزی به اذان نمانده است. با خودم می‌گویم نه فقط برای نماز شب قدر به حرم نمی‌رسم که افطار هم توی خیابان هستم. جوان مو فرفری جلو کنار راننده نشسته و یک ریز با موبایلش حرف می‌زند. خانم ۵۰-۴۰ساله‌ای هم با دخترش کنار من هستند، راننده از آن اصیل راننده‌هاست؛ سبیل‌ها و موهای مجعدفلفل و نمکی‌اش و سنگ‌آبی چشم‌زخمی که از آینه‌اش آویزان کرده و بوی چرمی که توی ماشینش پیچیده، حکایت از همین ماجرا دارد.

رادیو را روشن می‌کند، مجری شروع می‌کند به گفتن از نان و پنیر و ریحان افطار و جمع صمیمی خانواده. توی دلم غر می‌زنم من که هر بار عیدی، عزایی چیزی بوده توی این راه گیر افتاده‌ام و من به‌جز له شدن بین دست و پای ملت توی اتوبوس و یا توی تاکسی منتظر گذشتن از ترافیک بودن، چیز دیگری ندیده‌ام. صدایم را بالا می‌برم و می‌گویم: آقا نمیشه یه کم دست بجنبونین، بعیده نماز برسیم حرم. راننده لبخند می‌زند: «داداش به‌خدا من هرچی بلدم رو کردم. بعدم این شهر همه‌اش خونه آقا‌س. از این پیچ که بگذریم، چشمت به گنبد و گلدسته هم روشن می‌شه، سلام بده و دلت رو رونه کن داداش». با حرفش دهانم دوخته می‌شود و چشم می‌دوزم به روبه‌رو و منتظر دیدن گنبد می‌مانم. صدای اذان که بلند می‌شود، راننده یک بطری آب باز می‌کند، چند تالیوان یک‌بار مصرف آب می‌ریزد و تعارف می‌کند به مسافراهیش که ما باشیم، پیاله خرما را هم دست به دست می‌چرخاند. حالم عوض شده، حس خوبی دارم. واقعاً انگار سفرهای پهن شده و افطاری است.

### یاصدرا الحوائج

سال‌ها بود قسمتمش نمی‌شد به پاپوسی آقا بیاید؛ هر بار مشکلی پیش می‌آمد و سفر مشهد به عقب می‌افتاد تا اینکه امسال عید به حضرت صاحب(عج) متوسل شد. انگار امام زمان(عج) اذن زیارت حضرت رضا(ع) و کار و بار و شرایط سفرش برای ماه رمضان را فراهم کرد.

همه روستا برای بدرقه اش آمدند، خیلی‌ها هم بنا به رسم قدیمشان مبلغی را برای کمک خرج سفر به زور در جیبش می‌گذاشتند. وقتی دید همه چیز روبه‌راه شده «یا صاحب‌الزمان» ی گفت و سوار اتوبوس شد.

خدا را شکر در راه هم هیچ مشکلی پیش نیامد؛ پایش که از اتوبوس به زمین مشهد رسید اشک از چشمانش سرازیر شد. می‌خواست هر چه زودتر به حرم برسد. سوار تاکسی که شد از همان ابتدا ته‌هر خیابان را نگاه می‌کرد تا شاید گلدسته‌ها و گنبد طلای حرم را ببیند.

به حرم که رسید با زبان خودش به حضرت سلام داد و کف صحن را بوسید. از همان دم در برای سلامتی مادرش و برای همسایه‌ها و اهالی روستا دعا کرد. بعد دعا کرد پولدار شود تا بتواند گاوهای

داستان‌هایی از زائران حرم مطهر رضوی در شب‌های قدر

# دل‌هایی که گره خورده‌اند



**مریم شفیع**ی این شب‌ها به تعداد اهلش داستان دارد؛ به تعداد دل‌های گرفته، چشم‌های دوخته شده به ضریح و دست‌هایی که برای دعا بالا رفته‌اند، روایت دارد. روایت‌هایی که با وجود تفاوت‌های بسیار، همگی به شب‌های قدر و خاندان اهل بیت(ع) گره خورده‌اند تا این خاندان با گره از کارشان باز کنند یا گره دلشان را به این آستان و بارگاه محکم‌تر کنند. در ادامه چند روایت را با هم مرور می‌کنیم.

### روضه با زبان اشاره

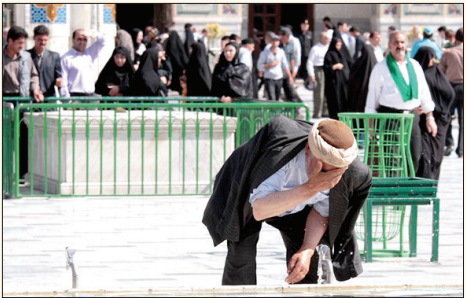
حس و حالش را نمی‌توانستم بفهم. حس و حال خانم جان را که عمری یک گوشش آسیب دیده بوده و آن یکی هم انگار بگیر نگیر داشت. نمی‌دانست توی زندگی بی‌صدایش چطور سر می‌کند. تلویزیون گوش کردن‌های بی‌صدایش را می‌دید و نمی‌دانست چه بگوید.

پیرزن اغلب اوقات اعتراضی نداشت. انگار برایش مهم نبود آدم‌های توی تلویزیون چه می‌گویند و چه می‌کنند، تنها در سکوت خنده و شادی یا گریه کردنشان را تماشا می‌کرد. توی میهمانی‌ها هم حرفی نمی‌زد. وقت حال و احوال لب‌خوانی می‌کرد و اگر کسی چیزی می‌پرسید شکسته بسته پاسخش را می‌داد. نوه‌ها هر کدام به شکلی باهاش ارتباط می‌گرفتند.

من کمی وقت حرف زدن دستی‌چاه می‌شدم اما عادت کرده بودم حروف را با بلندترین صدا و خیلی شمرده ادا کنم تا بی‌بی بشنود. مامان اما باهاش راحت بود، عمری با زبان اشاره با هم حرف می‌زدند. این است که صمائی دست بی‌بی بود، به‌خصوص توی ماه رمضان یا عیدها و عزاها. برای

پسر عموهایش را بخرد، برای پسر عموهایش هم دعا کرد. حتی برای طلبکارها هم دعا خواند.

دستش به ضریح که رسید برای همکس و همه چیز، حتی برای سلامتی گاو و گوسفندهایش هم دعا کرد. دلش سبک شد و از حرم آمد بیرون. تا شب توی بازارها چرخید و نزدیک غروب پی مسافرخانه‌ای گشت. بعد از استراحت دوباره عازم حرم شد. دم در مسافرخانه سکه‌ای به پیرمرد دستفروش داد. پیرمرد گفت: خیر بیینی برادر... آن‌شاءالله فرج آقا. دلش هری ریخت پایین. امروز همه را دعا کرده بود الا آقا.



قلب شهر  
رمضان  
بیت‌القدر

قلب ماه رمضان  
شب قدر است.



#### برش

در زیارت جامعه کبیره به‌طورمرتّب از خدا و توحید بحث می‌شود و اینکه نگرش اهل بیت(ع) درباره خدا چگونه است، در واقع یک خدای زیبا به مخاطب نشان داده و خدایی حکیم، قادر و عالم به او معرفی می‌شود، خدایی که در این زیارت از آن صحبت می‌شود، خدایی نیست که در زندگی انسان دخالت نداشته باشد بلکه خدایی است که لحظه به لحظه در زندگی بشر وجود دارد و در تمام حالات و لحظات زندگی اشخاص حضور این خدا مشهود است.

شب‌های قدر بی‌بی میهمان خانه ما بود. تلویزیون مداحی پخش می‌کرد و مامان دیلماج می‌شد و بی‌بی مستمع. اول سرتکان می‌داد و کم‌کم دوتایی اشک می‌ریختند. حالشان خوش بود اما دوتایی یک حسرت داشتند. اینکه نمی‌توانند شب قدر بروند حرم آقا. بی‌بی که توی آن شلوغی سخنران را نمی‌دید و مامان هم که دلش نمی‌آمد بی‌بی را تنها رها کند. امسال اما آقا هر دو را طلبیده، هم بی‌بی و هم مامان را. قرار است با هم بروند مراسم احیا ویژه ناشنوایان توی خانه امام رضا(ع).



غلطی را که خداوند ما را طرد کرده و نخواهد پذیرفت، اصلاح می‌کند. در زیارت‌امین‌الله می‌خوانیم: «توبه من اناب الیک مقبوله...و زلن من استقالک مقاله» یعنی توبه آن کس که به درگاه تو بازگردد، پذیرفته و لغزش کسی که از تو بپوزش طلبد، بخشوده است.

#### ■ خدای گشایش‌گر

متون زیارت‌نامه‌ها به ما کمک می‌کند باور کنیم گشایش‌گر واقعی خداست و تنها او است که می‌تواند گره از کارها باز کند. این نگرش سبب می‌شود به خداوند اعتماد کنیم و فقط به او پناه ببریم و از کمک بخوایم. در زیارت امام رضا(ع) می‌خوانیم: «الهی حاجاتی مصروفة الیک و آمالی موقوفة لدیک... یا قدیر! لا توده المطالب، یا ملیما یلجا الیه کل راعب» یعنی خدایا، حاجت‌های من به سوی تو بازگردد و آرزوهایم در پیگاه تو باز ایستاده است. ای توانایی که زیادی خواسته‌ها درمانده‌اش نکند و ای دارایی که هر مشتاقی به سمت او پناه آورد.

می‌شود، خدایی نیست که در زندگی انسان دخالت نداشته باشد بلکه خدایی است که لحظه به لحظه در زندگی بشر وجود دارد و در تمام حالات و لحظات زندگی اشخاص حضور این خدا مشهود است.

#### ■ خدای قدرتمند

مفاهیم زیارت‌نامه‌ها توجه ما را به قدرت و عظمت خداوند جلب کرده و به ما کمک می‌کند قدرت خدا را برتر از هر قدرت دیگری در این دنیا بدانیم و او را به عنوان حاکم بر همه اسباب مادی این دنیا باور کنیم. در زیارت امام رضا(ع) می‌خوانیم: «استلک بالقدره النافذه فی جمیع الاشیاء...انت الکاشف للضر بیدک» یعنی «از تو می‌خواهم به قدرت نافذت در همه چیزها... تویی برطرف‌کننده‌سختی‌ها با قدرتت».

#### ■ خدای پذیرنده

متون زیارت‌نامه‌ها بارها و بارها آغوش باز خداوند برای بازگشت و اصلاح ما را یادآوری کرده و نگرش‌ها و باورهای

به چند نمونه از این اصلاح نگرش که در ارتباط ما با خداوند است اشاره می‌کنیم.

#### ■ خدای مهربان و نزدیک

نخستین چیزی که در متن زیارت‌نامه‌ها توجه ما را به خودجلب می‌کند، یک نگرش بسیار لطیف به خداوند و یک فضای ارتباطی بسیار صمیمانه و دلچسب با او است. در زیارت امام رضا(ع) این نوع نگرش به خدا به زیبایی ترسیم شده است: «یا معبود العابدین، یا جلیس الذاکرین، یا موجود من طلبه، یا محبوب من احبه»، یعنی «ای معبود عبادت‌کنندگان و ای همنشین اهل ذکر و ای حاضر برای هر که او را جوید و ای محبوب هر که او را دوست بدار».

به طور مثال در زیارت جامعه کبیره به‌طورمرتّب از خدا و توحید بحث می‌شود و اینکه نگرش اهل بیت(ع) درباره خدا چگونه است، در واقع یک خدای زیبا به مخاطب نشان داده و خدایی حکیم، قادر و عالم به او معرفی می‌شود، خدایی که در این زیارت از آن صحبت

#### آزاده خلیلی

یکی از راه‌هایی که به ما کمک می‌کند رفتار و عملکرد خود را در زندگی تغییر دهیم، اصلاح و تغییر نگرش‌هایمان است. وقتی نگرش ما درست شود، اعمال ما هم سر و سامان می‌گیرد و صالح می‌شود. یکی از زیباترین آثار دیدار امام(ع)، ایجاد تغییر و اصلاح در نگرش‌های زیارت‌کنندگان است. یکی از راه‌های این تغییر نگرش از طریق دقت در محتوای زیارت‌نامه‌هاست. کارکرد پنهان دعا و زیارت، آموزش صحیح زندگی کردن است. به این معنا که بنای ادعیه و زیارات بر این است که انسان زائر را حرکت دهد و به آن مقصدعالی برساند.

با دقت در محتوای زیارت‌نامه‌ها می‌توان چند محور مشترک را در همه یا بیشتر آن‌ها دید. یکی از این محورها تعلیم معارف دینی و الهی هستند. در زیارت‌نامه، خدا و صفات او به‌طور صحیح معرفی و نیز مقام ولایت پیامبر(ص) و ائمه(ع) تبیین می‌شود و این خود نوعی آموزش عقاید و معارف صحیح به شیعیان است. در ادامه با تأملی در متن زیارت‌نامه‌های مأثور

#### ● باهم بیندیشیم ●

نگاهی به اوصاف خدا در زیارت‌نامه‌های مأثور

## بازارت‌تورا بهتر خواهیم شناخت